

## ۲۱. A Greater Good (یک پیشامد بهتر)

کارگردان: دیوید گراسمن

نویسنده: لئونارد دیک

در مراسم تشییع بون، جک با لاک درگیر می‌شود. لاک از شانون تقاضای بخشش می‌کند. شانون کلید قفل ساک اسلحه‌ها را از جک می‌دزدد و به سراغ لاک در جنگل می‌رود. شانون به طرف لاک شلیک می‌کند، هرچند که سعید مزاحم او می‌شود و گلوله فقط خراشی روی سر لاک می‌اندازد. سعید از لاک می‌خواهد تا دریچه فلزی را به او نشان دهد. در فلاش‌بک سعید را می‌بینیم که از طرف سرویس مخفی و سیا دستور می‌گیرد تا وارد گروه تروریستی شود که دوستش عصام عضو آن است. سعید هم در قبال گرفتن آدرس نادیا مأموریت را قبول می‌کند. او به عصام خیانت می‌کند. عصام دست به خودکشی می‌زند.

## ۲۲. فراری مادرزاد

کارگردان: تاکر گیتس

نویسندگان: ادوارد کیتیس و آدام هورویتز (بر اساس داستانی از خاویر گری یو-ماکسواخ)

سعید دریچه فلزی را می‌بیند. جک معتقد است باید دریچه را باز کنند. والت به لاک هشدار می‌دهد که کاری به دریچه نداشته باشند. کیت به دنبال جایی در قایق است. مایکل مسموم می‌شود. کیت جای ساویر را در قایق می‌گیرد. ساویر به همه می‌گوید که کیت متهم فراری است. والت به مایکل اعتراف می‌کند که آتش زدن قایق کار او بوده است. مایکل می‌گوید می‌توانند در جزیره بمانند، اما این بار والت اصرار می‌کند که از جزیره بروند. در فلاش‌بک می‌بینیم که کیت به زادگاهش بازمی‌گردد تا مادر رو به مرگش را ببیند و با نامزد پیشینش تام ملاقات می‌کند.

## ۲۳. اکسودوس: بخش یک

کارگردان: جک بندر

نویسندگان: دیمون لیندولف و چارلتون کیوس

روسو خودش را به ساحل می‌رساند و به بازماندگان می‌گوید «دیگران» در راه هستند. او تعریف می‌کند زمانی که به جزیره رسیده، باردار بوده است، «دیگران» بچه او را می‌دزدند و او دیگر فرزندش را ندیده است. نشانه رسیدن «دیگران» ستونی از دود سیاه است. در همان لحظه بازماندگان ستونی از دود سیاه می‌بینند. جک، لاک و سعید درمورد دریچه فلزی به روسو می‌گویند و این که باید دریچه را باز کنند، هرچور که شده، حتی با استفاده از دینامیت. روسو پیشنهاد می‌دهد تا به بلک راک (نام کشتی مخروبه که در جزیره به گل نشسته است) بروند و مقداری دینامیت فراهم کنند. جک، لاک، کیت، هارلی، آرزت و روسو به بلک راک می‌روند، چارلی و بقیه در بطری پیغامی می‌گذارند و قایق به راه می‌افتد. در فلاش‌بک چند تن از مسافران را ساعاتی پیش از سفر می‌بینیم.

## ۲۴. اکسودوس: بخش دو

کارگردان: جک بندر

نویسندگان: دیمون لیندولف و چارلتون کیوس

روسو بلک راک را ترک می‌کند. آرزت در جریان حمل دینامیت دچار سانحه می‌شود و می‌میرد. آنها با هیولا روبه‌رو می‌شوند؛ ابری از دود سیاه. روسو بچه کلسر (آرون) را می‌دزد. او می‌خواهد در ازای بچه‌اش، آرون را به «دیگران» بدهد که سعید جلوی او را می‌گیرد. سعید و چارلی در راهشان با هواپیمای قاچاقچیان مواد مخدر روبه‌رو می‌شوند که پر از هرویین است. چارلی مقداری مواد مخدر برمی‌دارد. چارلی و سعید هم‌زمان با دود سیاه به ساحل می‌رسند و کس دیگری آنجا نیست، البته به جز روسو و آرون. روسو بچه را به آنها می‌دهد و می‌گوید که «دیگران» به دنبال پسرک هستند. قایق در مسیرش با قایق «دیگران» روبه‌رو می‌شود. «دیگران» به دنبال والت هستند. ساویر زخمی می‌شود و «دیگران» والت را می‌گیرند. «دیگران» قایق را متلاشی می‌کنند. در این حین جک، کیت،

کشتنش منصرف می‌شود. او اسلحه‌اش را به جک می‌دهد. جک تمام اسلحه‌ها را در ساک افسر نگه می‌دارد. ساویر متوجه می‌شود که با پدر جک در استرالیا ملاقات کرده است. در فلاش‌بک ساویر را می‌بینیم که در تعقیب مردی است که فکر می‌کند زندگی‌اش را خراب کرده. ساویر مرد را می‌کشد، اما بعد متوجه می‌شود که اشتباه کرده است.

## ۱۷.... در ترجمه

کارگردان: تاکر گیتس

نویسندگان: خاویر گری یو-ماکسواخ و لئونارد دیک

مایکل همچنان روی قایقش کار می‌کند. ساویر قبول می‌کند در ازای جا دادن به او در قایق به مایکل کمک کند. قایق آتش می‌گیرد و همه جین را مقصر می‌دانند. صبح فردای آن روز مایکل، جین را به باد کتک می‌گیرد. سان مایکل را متوقف می‌کند و می‌گوید که جین مقصر نبوده است. همه از این که می‌بینند او انگلیسی حرف می‌زند تعجب می‌کنند، حتی جین. لاک می‌گوید شاید کار «دیگران» بوده است. مایکل تصمیم می‌گیرد قایقی جدید بسازد. سان نزد جین می‌رود، اما جین - که از آن پنهان کاری همسرش در دانستن زبان انگلیسی رنجیده است - به او می‌گوید برای شروعی دوباره خیلی دیر شده است. جین به ساحل می‌رود تا به مایکل کمک کند. والت به لاک اعتراف می‌کند که او قایق را آتش زده، چون او جزیره را دوست دارد. در فلاش‌بک می‌بینیم که شبی که جین خونین به خانه بازگشته، در واقع در نزاعی جان خودش را نجات داده است. چون پدر سان دستور قتل جین را داده بوده است. جین تصمیم می‌گیرد همراه با سان برای شروع زندگی جدید به آمریکا بروند.

## ۱۸. اعداد

کارگردان: دن آتیاس

نویسندگان: برنت فلچر و دیوید فیوری

هارلی در یادداشت‌های روسو متوجه استفاده مکرر روسو از اعداد ۴، ۸، ۱۵، ۱۶، ۲۳ و ۴۲ می‌شود. اعدادی که هارلی از آنها استفاده کرده و در لاتاری برنده شده است. هارلی به دنبال روسو می‌رود. روسو می‌گوید که نمی‌داند این اعداد چه معنایی دارند. فقط این را می‌داند که رادیویی که این اعداد را اعلام می‌کرد تیم آنها را به سمت جزیره کشانده است. این اعداد روی دریچه فلزی هم نوشته شده است. در فلاش‌بک هارلی را می‌بینیم که در لاتاری برنده می‌شود و از آن پس همه اطرافیانش دچار سانحه و یا اتفاقی بد می‌شوند.

## ۱۹. Deus Ex Machina

کارگردان: رارت مندل

نویسندگان: چارلتون کیوس و دیمون لیندولف

لاک متوجه می‌شود که دیگر در پاهایش چیزی حس نمی‌کند. لاک و بون هواپیمای سبکی را در جزیره روی دریچه‌ای پیدا می‌کنند. بون با استفاده از رادیوی هواپیما پیغامی می‌فرستد: «ما بازماندگان پرواز ۸۱۵ هستیم». و مردی در جواب می‌گوید: «ما بازماندگان پرواز ۸۱۵ هستیم». بون از دریچه پایین می‌افتد و لاک، بون را که به شدت مجروح شده به کمپ می‌رساند. لاک در مورد این اتفاق چیزی به کسی نمی‌گوید. لاک در جنگل ناپدید می‌شود. او به دریچه فلزی می‌کوبد و نعره می‌کشد و ناگهان فلز نورانی می‌شود. در فلاش‌بکی لاک با والدین ناخوشایندش روبه‌رو می‌شود.

## ۲۰. آسیب نرسان

کارگردان: استیفن ویلیامز

نویسنده: جنت تامارو

بون به جک اعتراف می‌کند که او و لاک دریچه‌ای فلزی کشف کرده‌اند، و لاک گفته که در مورد این موضوع به کسی حرفی نزنند. با وجود تلاش‌های جک، بون می‌میرد. فرزند کلر به دنیا می‌آید. در فلاش‌بک ازدواج جک و سارا را می‌بینیم. سارا یکی از بیماران جک بوده است که جک جان او را نجات داده.